

متن پیاده سازی شده جلسه هشتاد و ششم سال چهارم درس خارج فقه القضا 2 خرداد ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست افتراقی قضاوت در اسلام بین حقوقی و کیفری؛

قسامه در زمان جاهلی بوده و وارد اسلام شده است و از همان زمان برخی نمی‌توانستند با این نهاد کنار بیایند مانند ابن اثیر: محدث و لغوی (لغاتی که در روایات نبوی هست را بررسی می‌کند) اهل تسنن، - نظیر طریحی در مجمع البحرین که روایات اهل بیت را مطمح نظر قرار داده است - آقای ابن اثیر می‌گوید: در روایت است که قسامه قتل جاهلی می‌باشد گویا روایت این نهاد را مقبول نمی‌داند و عظیم پنداشته است.

البته در روایات شیعه ائمه علیهم السلام به انکار نگاهی داشته‌اند ولی تثبیت نیز کرده‌اند.

بیان آراء اهل تسنن؛

نکته‌ی روشی: بهتر است وقتی نظر آن‌ها را بیان می‌کنیم از کتب خودشان باشد البته اگر از کتاب خلاف شیخ طوسی یا تذکره الفقهاء علامه حلی نیز آدرس بدهیم مشکلی ندارد ولی بهتر آن است که از کتب خود ایشان بیان شود. نکته: آیت الله بروجرودی تلاش نمودند این کتاب بدایة المجتهد را تجدید چاپ نمایند تا طلاب استفاده نمایند. ابن رشد سنی - از فقهای قرن پنجم و ششم - در کتاب بدایة المجتهد می‌گوید: اختلاف آراء علمای خود را بیان می‌کند و قائل به این است که علماء طراز اول نظیر مالک و احمد حنبل و شافعی و ابوحنیفه و سفیان و داود قبول دارند. اما مخالفین: سالم بن عبدالله ابوقلابه و عمر بن عبدالعزیز و ابن علیّه.

اما بررسی روایات قسامه؛

شیخ حر عاملی روایات قسامه را در چهار باب بیان نموده است - شما فضلالی عصر شاید اصلاً کتب را نگاه نکنید به خاطر این که نرم افزار را مد نظر قرار می‌دهید ولی این گونه نباشید - . حال باید تلاش کنیم تا این روایات متعدد را مدیریت نماییم و این اصل را باید فضلالی مانند شما یاد بگیرید و تمرین کنید.

نکته مهم برای فهم مجتهد اعلم: استاد محترم یکی از شاخصه‌های اعلم بودن مجتهد را مدیریت ادله می‌دانند البته رجال، اصول و غیره سر جای خودش لازم است اما مدیریت ادله اهم است.

روایت اول: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: فِي رَجُلٍ كَانَ جَالِسًا مَعَ قَوْمٍ فَمَاتَ وَهُوَ مَعَهُمْ أَوْ رَجُلٍ وَجَدَ فِي قَبِيلَةٍ أَوْ عَلَى بَابِ دَارِ قَوْمٍ فَادْعِي عَلَيْهِمْ (کشته شده است و علیه آن‌ها ادعا می‌شود) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ عَلَيْهِمْ شَيْءٌ وَلَا يَبْطُلُ دَمُهُ.

در کتاب شریف وسائل الشیعه این سند هم آمده است؛ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِيَانَ مِثْلَهُ ثُمَّ قَالَ الشَّيْخُ وَ عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَبْطُلُ دَمُهُ وَ لَكِنْ يُعْقَلُ (دیه آن شخص پرداخت شود) وَ رَوَاهُ أَيْضًا بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ سِنَانَ مِثْلَهُ. بنابراین این روایت چهار سند دارد.

این فارس: به دیه عقل گویند زیرا که شخص را از قتل باز می‌دارد.

روایت دوم: عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ فِي قَرْيَةٍ أَوْ قَرِيبًا مِنْ قَرْيَةٍ وَ لَمْ تُوَجَدْ بَيْنَهُ عَلَى أَهْلِ تِلْكَ الْقَرْيَةِ أَنَّهُ قُتِلَ عِنْدَهُمْ فَلَيْسَ عَلَيْهِمْ شَيْءٌ.

این روایت مرسله است ولی به خاطر تعدد، اشکال سندی نمی‌گیریم. در این روایات باید لوث را نیز مدنظر بدهیم و دقت کنیم. روایت سوم (موثقه به خاطر وجود ابی حمزه بطائنی واقفی، البته برخی گفته‌اند روایات بطائنی قبل از وقف او بوده است): عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنْ وَجِدَ قَتِيلٌ بِأَرْضِ فَلَاةٍ أُدِيَتْ دَيْتُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ فَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ.

روایاتی با مضمون واحد را در یک دسته قرار دهیم مانند روایات مذکور. در این روایات اصلاً بحث قسامه نیست بلکه به ترک استفصال در روایت اول و اطلاق در دو روایت آخر متهم یا متهمین به قتل، قصاص نمی‌شوند و حتی دیه هم پرداخت نمی‌کنند.

دسته دوم روایات؛

عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُوجَدُ قَتِيلًا فِي الْقَرْيَةِ أَوْ بَيْنَ قَرْيَتَيْنِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُقَاسُ مَا بَيْنَهُمَا فَأَيُّهُمَا كَانَتْ أَقْرَبَ ضُمَّنَتْ.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ قُتِلَ فِي قَرْيَةٍ أَوْ قَرِيبًا مِنْ قَرْيَةٍ أَنْ يُغْرَمَ أَهْلُ تِلْكَ الْقَرْيَةِ إِنْ لَمْ تُوجَدْ بَيْنَهُ عَلَى أَهْلِ تِلْكَ الْقَرْيَةِ أَنَّهُمْ مَا قَتَلُوهُ أَقُولُ: لَعَلَّهُ مَحْمُولٌ عَلَى وَجُودِ اللُّوثِ وَتَحَقُّقِ الْقَسَامَةِ.

البته در برگه استاد آدرس احادیث دیگر از این دسته روایت آمده است که طلاب گرامی مراجعه نمایند.